



عوامل ارثی و تأثیر آن بر رشد انسان؛ بررسی دیدگاه اسلام

اسلام به عوامل ارثی و تأثیر آن در رشد انسان توجه خاصی دارد. از دیدگاه اسلام، انسان در جنبه های شناختی و قلبی(عاطفی) خصوصياتی فطری دارد.

خبرگزاری مهر- اسلام به عوامل ارثی و تأثیر آن در رشد انسان توجه خاصی دارد. از دیدگاه اسلام، انسان در جنبه های شناختی و قلبی(عاطفی) خصوصياتی فطری دارد.

رشد و تربیت انسان باید براساس فطرت صورت گیرد

برای آنکه رشد و تربیت انسان به طور صحیح عملی شود و انسان در این مسیر با موانع و ناسازگاری هایی روبرو نشود اسلام توجه به عوامل و اصول زیر را ضروری می داند:

از دیدگاه اسلام، وجود فطرت، مسلم و قطعی است. انسان براساس فطرت الهی خلق شده و دین اسلام هم دین فطرت است و به همین دلیل باقی و همیشگی است.

قرآن در این باره می فرماید: حقگرایانه روی به دین آور، ملازم سرشت و فطرتی باشید که خداوند مردم را بر آن سرشته است آری این آفرینش خداوند است و آفرینش خدای را دگرگونی و تبدیلی نیست.(روم، آیه 30)

وظیفه اصلی پیامبران الهی که بزرگترین مربیان بشر و متخصصان رشد هستند، بیدار کردن و به کار انداختن همین ویژگی های فطری انسان است.

علی(ع) می فرماید: خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیایی میان مردم فرستاد تا بشر را به ادای پیمان فطرت وادارند و نعمت های فراموش شده خدا را یادآوری کنند و با فعالیت های تبلیغی خود نیروهای نهفته عقل(استعدادهای پنهان) مردم را برانگیزند و به کار اندازند.(نهج البلاغه ملا فتح الله، ص37)

فطرت چیست و خصوصیات آن کدام است؟

فطرت همان سرشت انسان است و پیداست که سرشت، اکتسابی نیست.

کلمه فطرت با غریزه از این نظر تفاوت دارد که نخست از غریزه آگاهانه تر است؛ انسان آنچه را که می داند، می تواند بداند که می داند.

یعنی انسان یک رشته فطریاتی دارد که به آنها آگاه است به علاوه، غریزه در محدوده امور مادی و حیوانی است؛ در حالی که فطرت مربوط به مسائلی است که ما آنها را امور انسانی(برتر از امور حیوانی) می نامیم.

از دیدگاه اسلام، انسان در جنبه های شناختی و قلبی(عاطفی) خصوصياتی فطری دارد. انسان در بعد شناختی، بعضی چیزها را که البته زیاد نیست به وسیله فطرت خود دریافته است. اصول تفکر انسان که در همه مشترک است فطری است.

فروع و شاخه های آن، اکتسابی است، زیرا انسان در دانستن اصول تفکر نیازمند به مقدمات و قیاس کردن یا نتیجه گرفتن نیست؛ یعنی ساختمان فکری او به گونه ای است که آن مسائل وقتی عرضه شود نیاز به استدلال و برهان ندارد و قابل فهم است در ابعاد گرایشی و عاطفی نیز انسان فطریاتی دارد، این ویژگی های فطری عبارتند از:

1. حقیقت جویی: نیاز به اینکه باید حقیقت چیزها، امور و جهان را آنچنان که هست، دریابد(حس کنجاوی)

2. گرایش های اخلاقی(گرایش های مبتنی بر فضایل). انسان به یک رشته امور علاقمند است که برای او منفعت مادی به همراه ندارد، بلکه تنها به دلیل فضیلت و خیر عقلانی برای او ارزشمندند مانند گرایش به راستی، تنفر از دروغ، گرایش به پاکی، صداقت و تعاون.

3. علاقه به جمال و زیبایی: در هر انسانی گرایش به زیبایی یا آفرینی(هنر) وجود دارد. زیبایی برای انسان می تواند یک موضوع اصلی و مستقل از امور دیگر باشد؛

4. خلاقیت و ابتکار. ساختن و اختراع، صرف نظر از اینکه احتیاج های زندگی بشر را برطرف می کند، یک گرایش فطری است؛

5. عشق و پرستش. در این نوع گرایش که مخصوص انسان است، انسان از حالت عادی خارج می شود و توجه وی فقط به یک چیز جلب می شود. حتی اگر کسی خود این حالت را نداشته باشد، آن را در نزد افراد دیگر می ستاید و از آن به وجد می آید.

فطرت انسانی، فنای عاشق را در راه معشوق یک افتخار می داند.

عوامل ارثی(قبل از تولد) و تاثیر آنها در رشد

اسلام به عوامل ارثی و تاثیر آن در رشد انسان توجه خاصی دارد و مجموعه عواملی چون نحوه انتخاب همسر، زمان ازدواج، زمان تشکیل نطفه و تاثیر عوامل ژنتیکی، ایام بارداری، هنگام تولد و زمان زایمان را در رشد و سلامت جسمی و روانی انسان موثر می داند و به آنها عنایت دارد.

پیغمبر اکرم(ص) می فرماید: ببینید نطفه خود را در چه محلی قرار می دهید زیرا «عرق« به طور پنهانی عمل می کند.